

در حاشیه مذاکرات ایران و آمریکا

مذاکره رسمی و علنی ایران و آمریکا، روز ۱۹ فروردین پیرامون بحران عراق بعد از یک دوره اظهار نظر حول و حوش ضرورت آن از طرف سران ایران و آمریکا قرار است شروع و مقامات این دو کشور نه در خفا، بلکه بطور علنی پای میز مذاکره و گفتگو بنشینند.

مذاکره علنی و رسمی از این جهت که از سال ۵۸ که سفارت آمریکا توسط دانشجویان خط امام به تسخیر درآمد و این امر موجب قطع رابطه رسمی بین ایران و آمریکا شد، اما در ورای همه جار و جنجالی تبلیغاتی، براساس گزارشات و مدارک موجود، همواره تلاش‌های مخفی و نیمه مخفی در سطوح مختلف بین مقامات این دو کشور برای بحث و گفتگو روی موضوعات مختلف وجود داشته است.

اینکه این تلاش‌ها هیچگاه از سطح محدودی فراتر نرفته و نتیجه‌ای نداده است به فاکتورها و موانع بسیاری که طرفین داشته اند برمی گردد، از جمله اینکه ساختار رژیم اسلامی و دخالت هایی که این رژیم به منظور گسترش نفوذ خود در حوزه های تحت سلطه آمریکا انجام داده و یا عدم تطابق سیستم اداری و اقتصادی ایران تحت حاکمیت رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی برای رشد و گسترش و امنیت سرمایه جهانی در این حوزه و... نکات نامطلوبی بوده‌اند که همواره آمریکا را علیرغم تلاش هایش برای عادی سازی در روابط با ایران محتاط کرده است.

همچنین اتوپی‌ها و دخالت های جمهوری اسلامی با رویاهای پان اسلامیستی‌اش در مسائل کشورهای منطقه که با پوشش مبارزه مستضعفان در برابر استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا توجیه شده است، با قدرقدرتی آمریکا در منطقه در تعارض بوده است.

آمریکا علیرغم مشکلات عدیده‌ای که با رژیم حاکم بر ایران در سطوح مختلف همواره داشته است، علیرغم قالب‌های ایدئولوژیک و فنانیستی که رژیم ایران داشته و دارد، همانگونه که در بسیاری از نقاط دیگر جهان نیز نشان داده، همواره ظرفیت کنار آمدن با اینگونه رژیم‌ها را داشته و دارد، چرا که آنچه برای آمریکا ارجحیت دارد، نه شکل و فرم حکومت‌ها بلکه پیشبرد منافع خودش بوده است.

برای جمهوری اسلامی نیز در رویارویی با آمریکا بقایش اصل بوده و هست. این استراتژی در دورانی طولانی می‌توانست بر اساس ایجاد توهم در میان مردم حول مبارزه با کفر و استکبار و امپریالیسم جهانی حاصل شود و هنگامی که این توهم فرو می‌ریزد و اینگونه حربه ها کسی بجز مزدوران خود رژیم را بر نمی‌تابد، بر راه دیگری برای ابراز قدرت، یعنی سیاست اتمی متکی می‌شود. سلاح اتمی برای رژیم جمهوری اسلامی اسم رمز سیاستی است برای سهم‌خواهی و ضمانتی برای ماندن. و به همین دلیل است که تابوی مذاکره و کنار آمدن با آمریکا اگر در گذشته خط بندی های جناحی در حاکمیت را رقم می‌زد، اکنون از زبان خامنه ای و احمدی نژاد بیان می‌شود. ایران بعد از ۲۷ سال رسماً از زبان جناح افراطی اش این پیام را اعلام می‌کند، چرا که:

— می‌داند قدرت یابی حزب الله در لبنان، حماس در فلسطین و شیعیان وابسته به رژیم ایران در عراق، موقعیت مناسبی برای معامله



نگاهی به جنبش زنان ایران در مصاحبه با صلاح مازوجی

"واقعیت این است که در تاریخ معاصر ایران هیچگاه جنبش زنان به اندازه چند سال اخیر در صحنه سیاسی ایران مطرح نبوده است، جنبش زنان در ایران به لحاظ دامنه خودآگاهی‌اش به مسائل و مطالبات زنان با هیچ یک از کشورهای خاورمیانه قابل مقایسه نیست."

"وقتی از برابری حقوقی زنان صحبت می‌کنیم قبل از هر چیز باید زمینه‌های مادی و اقتصادی این برابری را بوجود بیاوریم. زمانی که از فرصت‌های یکسان شغلی، حقوق برابر زنان با مردان در امر طلاق و سرپرستی کودکان و... صحبت می‌کنیم، یعنی باید زنان را از کنج خانه بیرون بیاوریم و زمینه‌های رشد و شکوفایی توانایی و استعداد‌های آنها را فراهم آوریم، یعنی اینکه وظایف کار خانگی و نگهداری و پرورش کودکان را از دوش زنان برداریم و جامعه این مسئولیتها را بر عهده بگیرد."

اطلاعی‌های از مدیریت تلویزیون کومه‌له در باره تغییر مشخصات فنی

صفحه ۷

دور جدید تلاش‌های بورژوازی کرد

در راستای تضعیف جنبش انقلابی کردستان

صفحه ۶

خیزش و مبارزات عمومی مردم کردستان

بر علیه حکومت ترکیه

صفحه ۷



فرانسه در تب اعتصاب و اعتراض

صفحه ۸

نگاهی به جنبش زنان ایران در مصاحبه با صلاح مازوجی

جهان امروز: هنوز بسیاری، حتی بعضا در میان فعالین جنبش زنان با تردید در مورد این جنبش صحبت می‌کنند، آیا در ایران جنبش زنان وجود دارد؟

صلاح مازوجی: پاسخ به این سؤال تنها از این زاویه اهمیت دارد که هنوز برخی از فعالین جنبش زنان تحت تاثیر تئوری‌های جامعه‌شناسان بورژوا با مبنا قرار دادن جوامع کلاسیک سرمایه‌داری از نوع اروپایی آنهم نه در دوره‌های دگرگونی و تغییر اساسی در زندگی اجتماعی بلکه در دوره‌های ثبات سیاسی، بر این باورند که هنوز در ایران یک جنبش زنان وجود ندارد. اینها در تبیین جنبش‌ها با نیروهای شسته و رفته و سازمان‌یافته سر و کار دارند. از نظر اینان مبارزه زنان نیز باید به یک نیروی سازمان‌یافته مطابق معیارهای آنان تبدیل شود تا آن را برسمیت بشناسند. داشتن یک سازمان که اهداف آن روشن و اعلام شده باشد، داشتن یک تشکیلات هرمی که در آن نقش‌ها و وظایف بر اساس معیارهای آمرانه تفکیک و کلاسه شده باشد، داشتن پیروانی که در شرایط لازم بسیج شوند، داشتن منابع مالی که ادامه‌کاری سازمان را تضمین کند. روشن است در جامعه‌ای مانند ایران که خفقان سیاسی حاکم است و هیچ آثاری از فعالیت سیاسی آزادانه وجود ندارد، کارگران و زنان از حق آزادی تشکل برخوردار نیستند، احزاب سیاسی از چپ و راست همه غیرقانونی اعلام شده‌اند و هر گونه ندای حق‌طلبانه با زندان و شکنجه و اعدام پاسخ می‌گیرد، نمی‌توانیم بر اساس این معیارها موجودیت جنبش‌های اجتماعی را بسنجیم. اگر نقطه عزیمت‌مان معیارهای جامعه‌شناسی بورژوایی باشد نمی‌توانیم از جنبش کارگری و دانشجویی هم سخنی به میان آوریم در صورتی که حضور این جنبش‌ها در صحنه سیاسی و اجتماعی ایران غیر قابل انکار است.

اگر این معیارها را کنار بگذاریم واقعیت این است که در تاریخ معاصر ایران هیچگاه جنبش زنان به اندازه چند سال اخیر در صحنه سیاسی ایران مطرح نبوده است، جنبش زنان در ایران به لحاظ دامنه خود آگاهی‌اش به مسائل و مطالبات زنان با هیچ یک از کشورهای خاورمیانه قابل مقایسه نیست. بعد از انقلاب سال ۵۷ که زنان ایران در ابعاد توده‌ای در آن شرکت کردند، زنان همواره بخشی از نیروی مبارزه علیه قوانین بردگی‌آور جمهوری اسلامی بوده‌اند. تصادفی نبود که رژیم اسلامی یورش به دستاوردهای انقلاب را با تعرض به کارگران و زنان آغاز کرد.

اگر رژیم جمهوری اسلامی در طول حاکمیت خود با اتکا به مناسبات اقتصادی و اجتماعی حاکم و با بکار گرفتن نهاد آموزش و پرورش، رادیو و تلویزیون و مطبوعات وابسته بخود و با اجرای قوانین اسلامی از قبیل ارزش نیمه مرد قائل بودن برای زنان در امر شهادت، وراثت، و حق سرپرستی فرزند، اهدای حق چند همسری به مردان و انحصار حق طلاق را به آنان واگذار کردن، باز گذاشتن دست مردان در اعمال خشونت بر زنان در محیط خانواده و کار، مردسالاری را در جامعه نهادینه کرده و تحقیر زنان را به اوج رسانده است، از طرف دیگر زنان نیز در مقابل این یورش گسترده از پای ننشسته‌اند.

تا قبل از سرکوب‌های خونین دهه ۶۰ زنان با سازمان دادن میتینگ و تظاهرات خیابانی علیه قانون حجاب اسلامی و دیگر قوانین ارتجاعی به اعتراض برخاستند و بعد از آن هم مبارزه زنان علیه قوانین اسلامی و فرهنگ مردسالارانه در محیط کار و خانواده و در سطح جامعه در اشکال مختلف ادامه داشته است. در کردستان زنان هم‌دوش مردان در مبارزه مسلحانه علیه یورش رژیم به دستاوردهای مردم کردستان شرکت کردند، زنان کردستان

برایش فراهم کرده است.

می‌داند که دخالت نظامی در ایران اگر هم صد در صد منتفی نگردیده باشد و با تریبب و شکلی که در عراق پیش رفت در دستور نیست. می‌داند که اپوزیسیون بورژوایی منتظر حاکمیت آمریکا ضعیف‌تر از این هست که خطری را متوجه رژیم اسلامی سازد.

و همچنین همه و از جمله آمریکا می‌دانند که حمله نظامی یعنی سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و نه فقط این، بلکه تعیین جایگزین برای آنهم. سیاست‌گذاران آمریکا هنوز برای هیچکدام از این دو جنبه، پلاتفرم و طرح آماده‌ای ندارند.

مضافاً اینکه می‌دانند که جنبش‌های اجتماعی و مردمی در داخل ایران اگر در تغییر اوضاع سیاسی دیگری از کنترل خارج شود، می‌تواند برایشان خطرناک باشد. امری که نه به نفع آمریکا و متحدین سیاسی اش و نه حتی لیبرال‌های در اپوزیسیون هم نیست.

برای دولت آمریکا و متحدانش هم صرفنظر از همه فراز و نشیب‌هایی که در رابطه با ایران داشته‌اند، اکنون ضرورت عاجلی نیز وجود دارد و آنهم نقشی است که دولت جمهوری اسلامی در صحنه سیاسی و نظامی عراق دارد. رژیم اسلامی ایران نیروهایی از قبیل حزب الدعوة، نیروی مقتدالصدر، سپاه بدر و بسیاری از رهبران ائتلاف شیعه را در اختیار دارد که می‌تواند از آنها به نفع خود در رابطه با آمریکا بهره ببرد. مشکلاتی که بر پروسه تشکیل دولت آینده عراق وجود دارد، نمونه‌ای از کارکرد رژیم اسلامی در این رابطه است. همه این نکات و باتلاقی که آمریکا در عراق در آن گیر کرده است، آنها را به مذاکره با ایران بطور رسمی و علنی ترغیب کرده است و طی یکی دو هفته اخیر از فشارهای تبلیغی اش بر علیه ایران کاسته است.

جریان‌ات لیبرال و ناسیونالیست کرد که به حمله نظامی آمریکا امید بسته‌اند و یا محاصره اقتصادی «هوشمندان» ایران توسط آمریکا را قبول دارند و مردم را به بند و بست‌های بالایی‌ها روی زندگی و سرنوشت شان متوهم می‌کنند، عملاً مردم را در حال انتظار حمله آمریکا نگه می‌دارند و این خواسته یا ناخواسته معنایی به جز خارج کردن رژیم جمهوری اسلامی از زیر ضرب مبارزات مردم ندارد. مردم به رژیم اسلامی حمله نکنید، چرا که آمریکا حمله می‌کند!

اگر حمله نظامی به ایران بنا به فاکتورهایی که برشمرده شد در شرایط فعلی دشوار است، اگر چه تهدید و حمله نظامی می‌تواند همواره وجهی از سیاست‌های اشغالگرانه آمریکا باشد و در صورت وقوع باید نیروهای انقلابی و چپ برای مقابله و علیه عوارض ویرانگر آن خود و مردم را آماده سازند، اما بزرگنمایی عامدانه روی این مسئله از طرف جریان‌ات پرو آمریکایی در شرایط کنونی با هدف خاص خود صورت می‌گیرد و بخشی از افق آنها برای تغییر حاکمیت از بالا است.

آماده‌سازی و مقابله مردم در مقابل تغییر احتمالی اوضاع، حمله مردم به رژیم و شکل مبارزه‌شان برای تعیین سرنوشت خویش، می‌باید فراسوی دیپلماسی ریاکارانه و معامله گرانه سران رژیم اسلامی با اشغالگران جهان‌خوار آمریکایی و متحدینش تعیین شود. آمریکا چه با کمک تانگ هایش و سرنگونی رژیم، چه با دیپلماسی و سازش با رژیم اسلامی، ارمغانی بیش از آنچه برای مردم عراق آورده، برای مردم حق طلب و ستمدیده ایران به‌مراه نمی‌آورد.

هلمت احمدیان

صدای حزب کمونیست ایران

هر شب: ۲۰ - ۲۱
صبح جمعه‌ها: ۸ - ۹
۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز
۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز
۴۹ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز

صدای انقلاب ایران

صبح‌ها: ۷ - ۸ ظهرها: ۱۳ - ۱۴
عصرها: ۱۹ - ۲۰
۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز
۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز
۴۹ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز

با حضور گسترده در مبارزه علیه سیاست سربازگیری، کوچ اجباری و دیگر سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم نقش مهمی در شعله ور نگه داشتن جنبش انقلابی کردستان ایفا کردند. شوهرکشی و خودسوزی تنها گوشه‌ای از اشکال مختلف مقاومت و مبارزه زنان ایران اما شکل منفی این مبارزه علیه فرهنگ زن ستیز حاکم بوده است که نشان می‌دهد تحت حاکمیت مناسبات سرمایه داری آمیخته با مذهب محیط جامعه تا چه حد نفرت انگیزی برای زنان غیرقابل تحمل شده است.

در سال‌های اخیر جنبش زنان پیشروی خود را در سازماندهی و برگزاری مراسم و آکسیون‌های ۸ مارس، ایجاد تشکل‌های مختلف زنان و بکار گرفتن آنان بعنوان ظرف آموزش و سازماندهی زنان، حرکت در جهت ایجاد همبستگی با جنبش کارگری نشان داده است. از طرف دیگر انتشار و اداره ده‌ها نشریه و سایت اینترنتی، فعالیت‌های اجتماعی و هنری پیشرو، اشکال دیگری از بروز جنبش زنان است که حضور آن در صحنه سیاسی ایران را به یک واقعیت انکارناپذیر تبدیل کرده است.

وجود جنبش زنان را در تلاش‌ها و عکس‌العمل رژیم اسلامی و بورژوازی حاکم برای کنترل و به بیراهه کشاندن این جنبش نیز می‌توان مشاهده کرد.

جهان امروز: از نظر شما مهمترین معضلات سر راه مبارزه زنان کدام‌ها هستند؟

صلاح مازوجی: هر چه بیشتر به اعماق جامعه برویم مشکلات و معضلاتی که سر راه مبارزه زنان قرار دارد بیشتر خود را نمایان می‌سازند. پروسه بازسازی اقتصادی که بعد از جنگ ایران و عراق آغاز شد بازتاب خود را همزمان با جنبش کارگری، بر موقعیت مبارزات زنان نیز نشان داده است. در پیش گرفتن مدل توسعه مبتنی بر بازار آزاد، تجارت خارجی و تلاش برای ادغام هر چه بیشتر در بازار جهانی، خصوصی‌سازی‌ها و بیکارسازی‌های گسترده دوره رفسنجانی

و خاتمی و تعرض به حقوق کارگران که شامل کارگران زن هم می‌شد را به دنبال داشته که هنوز هم ادامه دارد. بنا به گفته دکتر ژاله شادی‌طلب پژوهشگر مسائل زنان ایران در گفتگویی با ایسنا که در سایت تریبون فمینیستی درج شده است، بیشترین افت مشارکت زنان در اشتغال مربوط به بخش صنعت است، چنانچه در طول سال‌های ۵۷ تا ۶۵ هر سال ۲۴ هزار کارگر زن از بخش صنعت اخراج شده‌اند. این روند بعد از سال ۶۵ نیز با اندک تفاوتی همچنان ادامه داشته است. خصوصی‌سازیها و بیکارسازی‌های بعد از پایان جنگ ایران و عراق شمار بیشتری از زنان را از اشتغال در



مراکز صنعتی رانده است.

همین پژوهشگر خاطر نشان کرده است که بررسی نرخ مشارکت زنان در اشتغال کشور طی سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۰ از ۱۲٪ به ۹٪ در صد کاهش پیدا کرده و در چهار سال اخیر با خوش‌بینانه‌ترین ارزیابی به ۱۵ درصد رسیده است. نرخ بیکاری زنان در تمامی سطوح ۲۱ برابر مردان است.

افت اشتغال تنها زنان کارگر صنعتی را شامل نمی‌شود، نرخ بیکاری دختران با تحصیلات عالی که اجازه اشتغال دارند در جامعه شهری ۲۸ درصد و نرخ بیکاری دختران با تحصیلات متوسطه در کل کشور ۵۰ درصد است. بر اساس همین پژوهش‌ها ۹ درصد خانوارهای کشور را زنانی سرپرستی می‌کنند که ۳۷ درصد آنها بسیار پایین‌تر از خط فقر زندگی را بسر می‌برند.

بخشی از زنان ایران در کارگاه‌های کوچک کار می‌کنند. کار در این کارگاه‌ها سخت و بردگی‌آور است، چون کارگاه‌هایی که پایین‌تر از ده نفر

کارگر دارند از شمول قانون کار خارج هستند. در این کارگاه‌ها نه از مهد کودک و هزینه نگهداری کودکان خبری است و نه مرخصی دوران زایمان به زنان تعلق می‌گیرد و دستمزد زنان در شرایط کاری مشابه و کار برابر با مردان ۶۰٪ در صد دستمزد مردان می‌باشد. زنانی هم که در شرکت‌های خدماتی به کار نظافت مشغول هستند وضعیت بهتری ندارند.

با این وصف می‌بینیم که اگر چه شرکت دادن زنان در تولید اجتماعی یکی از پیش‌شرط‌های رهایی زنان است، اما حتی همین امر در نظام سرمایه جمهوری اسلامی مانند یک تیغ دو لبه عمل می‌کند. زنانی که به عرصه تولید در بیرون خانه جذب شده‌اند از آنجایی که دولت مسئولیت نگهداری و تربیت کودکان و کار خانگی را از دوش آنها برداشته است، اشتغال آنان عملاً به معنای فقدان پرورش و بی‌سرپرست ماندن شمار زیادی از کودکان است که مادرانشان به کار اشتغال

دارند و همین مسئله به عامل مرگ و میر زودرس کودکان، گسترش پدیده کودکان خیابانی منجر می‌شود که خانواده‌های کارگری را به تباهی می‌کشاند.

حال به این اوضاع فلاکت‌بار اقتصادی، بی‌حقوقی و کار بی‌اجر و مزد زنان خانه‌دار، پدیده اعتیاد به مواد مخدر، فحشا و خرید و فروش زنان، آمار ۶۶ درصدی خانواده‌هایی که خشونت خانگی را تجربه کرده‌اند و یوغ قوانین ارتجاع اسلامی را هم اضافه کنید آنگاه کم‌کم متوجه می‌شویم که جنبش زنان در ایران با چه معضلات عدیده‌ای دست و پنجه نرم می‌کند. جنبش زنان برای هر ذره پیشروی باید همزمان در چندین جبهه شمشیر بزند.

جهان امروز: گرایش‌ها موجود در درون جنبش زنان را چگونه تبیین می‌کنید؟

صلاح مازوجی: جنبش زنان نیز مانند دیگر جنبش‌های اجتماعی عرصه

فعالیت و تقابل گرایش‌ها مختلف سیاسی و اجتماعی است. از گرایش سوسیالیستی گرفته تا فمینیسم لیبرال و دیگر گرایش‌ها فمینیستی در درون جنبش زنان فعال هستند. فمینیسم اسلامی با شکست اصلاح‌طلبان حکومتی موقعیتش تضعیف شده است. هر کدام از این گرایش‌ها استراتژی، آلترناتیو و راه‌حل‌های خود را در مقابل جنبش زنان قرار می‌دهند.

فمینیسم لیبرال در اروپا با محور قرار دادن برابری حقوقی زن و مرد در پلاتفرم هایش و با تاکید بر نقش اشتغال زنان، آموزش و پرورش و ارتقای تخصص و مهارت زنان در بهبود موقعیت اجتماعی آنان همواره یک پای جنبش زنان در مبارزه برای دستیابی به برابری حقوقی بوده است. با توجه به ماهیت برنامه‌های فمینیسم لیبرال برای بهبود موقعیت زنان و درهم آمیختگی این گرایش با سوسیال دموکراسی در اروپا، تشکیل و سر کار آمدن دولت‌های رفاه در اروپا در دهه‌های اول قرن بیستم نقطه اوج قدرت فمینیسم لیبرال بود. دولت‌های رفاه در آن زمان بنا به شرایط تاریخی و اجتماعی که در آن قرار داشتند قادر شدند که بخش‌های زیادی از برنامه‌های فمینیسم لیبرال در زمینه برابری حقوقی زنان با مردان را تحقق بخشند.

با اینهمه چند عامل باعث شد که فمینیسم لیبرال در اروپا رو به افول بگذارد. در کشورهای اروپایی کم‌کم معلوم شد که تحقق برابری حقوقی، ستمگری بر زنان را ریشه‌کن نمی‌کند، مردسالاری و خشونت علیه زنان همچنان ادامه دارد و معلوم شد که برابری حقوقی در نظام سرمایه داری بخودی‌خود به تحقق برابری واقعی گرایش ندارد. زنان می‌توانند با اتکا به برابری حقوقی اکثریت را در پارلمان‌ها بدست آورند، اما کسب این اکثریت مانع تصویب قوانین ضد زن نمی‌شود. گذشته از این، بحران دهه ۷۰ قرن ۲۰ که به افول دولت‌های رفاه و بازگشت به مدل توسعه اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد و رواج نئولیبرالیسم اقتصادی انجامید و تعرض به دستاوردهای جنبش کارگری و



نگاهی به جنبش زنان ایران

از سر غلیظتر کردن مطالباتش در زمینه حقوق زنان باشد. این مطالبات هر چند با غلظت بیشتری هم فرموله شوند باز هم نمی‌تواند تمایز اصلی حرکت سوسیالیستی با گرایش لیبرالی در درون جنبش زنان را روشن کند. برای مقابله با گرایش لیبرالی در جنبش زنان باید سعی کرد که تناقض استراتژی آنها را با پلاتفرم مطالباتی‌شان برملا کرد.

لیبرال‌های ایران هیچ استراتژی اقتصادی جداگانه‌ای غیر از همان

برنامه و استراتژی اقتصادی نئو لیبرالی دولت رفسنجانی که دولتهای بعدی هم از آن پیروی کردند، ندارند و استراتژی سیاسی آنها کمک به تحکیم سلطه بورژوازی است.

لیبرال‌های ایران

و به تبع آن فمینیسم لیبرال با استراتژی که دارند نمی‌توانند برنامه مطالباتی‌شان را در اینجا بطور اخص مطالباتشان در مورد جنبش زنان را متحقق کنند.

وقتی از برابری حقوقی زنان صحبت می‌کنیم قبل از هر چیز باید زمینه‌های مادی و اقتصادی این برابری را بوجود بیاوریم. زمانی که از فرصت‌های یکسان شغلی، حقوق برابر زنان با مردان در امر طلاق و سرپرستی کودکان و ... صحبت می‌کنیم، یعنی باید زنان را از کنج خانه بیرون بیاوریم و زمینه‌های رشد و شکوفایی توانایی و استعداد‌های آنها را فراهم آوریم، یعنی اینکه وظایف کار خانگی و نگهداری و پرورش کودکان را از دوش زنان برداریم و جامعه این مسئولیتها را بر عهده بگیرد. جامعه به یک پروژه کامل برابری سازی زنان با مردان نیاز خواهد داشت. اگر زنان استقلال اقتصادی نداشته باشند و قادر نباشند روی پای خود بایستند در دنیای واقع چگونه می‌توانند از برابری با مردان در امر طلاق برخوردار گردند.

⇒ زنان از جانب دولتها را بدنبال داشت، فمینیسم لیبرال جنبش زنان را با بحران روبرو ساخت. از آن پس فمینیسم لیبرال خود را با همان استراتژی و برنامه‌های نتولیبرالیسم انطباق داده است و اکنون این گرایش هیچ ذره‌ای از رادیکالیسم در درون جنبش زنان را نمایندگی نمی‌کند و این تصادفی نیست که برنامه‌های احزاب سوسیال دمکرات در اروپا برای زنان هیچ جذابیتی ندارد و زنان از این احزاب سرخورده شده‌اند.

در ایران فمینیسم لیبرال بدنبال سرکار آمدن دولت خاتمی که تلاش کرد رومانی سیاسی و فرهنگی جامعه را با نیازهای استراتژی اقتصاد نتولیبرال انطباق دهد امکان رشد پیدا کرد. در این دوره که سازمان‌های غیر دولتی NGO ها مثل قارچ می‌رویدند برخی از NGO ها به مبلغ ایده‌های فمینیسم لیبرال تبدیل شدند. همچنین بسیاری از نیروهای که بعداً در جبهه جمهوریخواهان لائیک گرد آمدند، همین گرایش را در درون جنبش زنان نمایندگی، یا از آن حمایت می‌کردند. فمینیست‌های لیبرال در ایران نیز بر همان خواست‌های کلاسیک خود یعنی برابری حقوقی زنان با مردان و نقش اشتغال در بهبود وضعیت زنان تاکید می‌ورزند. اما تمام بحث بر سر این است که اگر فمینیسم لیبرال در اروپا دیگر حرفی برای گفتن ندارد، در ایران همانطور که شرح آن رفت دامنه بی‌حقوق زنان چنان گسترده و وسیع است که برنامه و مطالبات فمینیسم لیبرال می‌تواند گوش شنوا و طرفدار پیدا کند.

فمینیسم لیبرال نیز خواهان برابری حقوقی زنان و مردان در امر طلاق، سرپرستی فرزندان، امر شهادت و وراثت، فرصت‌های یکسان شغلی، حقوق برابر زنان با مردان در برابر کار برابر است و ...

بخش زیادی از مطالبات فمینیسم لیبرال در زمینه حقوق زنان با بخش حداقل برنامه نیروهای چپ و سوسیالیست شباهت دارد، بنابراین تقابل گرایش سوسیالیستی در درون جنبش زنان با فمینیسم لیبرال نمی‌تواند

هزینه برابرسازی زنان با مردان از کجا تامین می‌شود؟

کمونیست‌ها در پاسخ می‌گویند ما با سازمان دادن مبارزه کارگران و همدوش با جنبش‌های رادیکال و انقلابی به سرمایه داری تعرض می‌کنیم و سرمایه‌داران را وادار می‌کنیم که در قدم اول بخشی از ارزش اضافه‌ای را که از استثمار کارگران بدست آورده و بچیب زده‌اند را به جامعه باز گردانند، یعنی در واقع با گرفتن از سود سرمایه داران هزینه این خدمات اجتماعی تامین می‌کنیم. اما آیا ممکن است جنابان لیبرالی که برای مالکیت



خصوصی احترام قائلند و نمی‌خواهند به حریم مالکیت خصوصی تجاوز کنند به ما بگویند که هزینه تامین این خدمات اجتماعی را از کجا تامین می‌کنند؟ جنابان لیبرال این تناقض بین استراتژی و برنامه مطالباتیشان را چگونه توضیح می‌دهند؟

اما علیرغم همه آنچه که گفته شد، شباهت در برنامه مطالبات سوسیالیست‌ها و لیبرال‌ها در زمینه جنبش زنان نباید مانع آن شود که سوسیالیست‌ها در مبارزه برای خواست‌های ولو جزئی زنان برای بهبود موقعیت‌شان در جامعه سرمایه‌داری فعالانه شرکت کنند. با شرکت فعالانه در این مبارزات است که امکان گسترده‌تری برای رواج افق سوسیالیستی در جنبش زنان را هم می‌شود، فراهم کرد.

جهان امروز: در بحث حول تبیین گرایشات درون جنبش زنان کمتر به گرایش فمینیسم اسلامی اشاره کردید ، آیا این به این معناست که این

گرایش در درون جنبش زنان ضعیف است؟

صلاح مازوجی: فمینیسم اسلامی ابزاری بود در دست رژیم اسلامی در دوره حاکمیت دولت اصلاحات خاتمی و دوم خردادی‌ها، تا بلکه بتوانند از طریق آن جنبش رو به رشد زنان را به کنترل خود درآورند. فمینیسم اسلامی خواهان ایجاد تغییرات در سیاست‌های جنسی جمهوری اسلامی بود و برای تضمین بقای رژیم اسلامی در تلاش بود که اسلام را با پیشرفت‌های اجتماعی و فرهنگی زمانه تا حدودی هماهنگ سازد. اینان می‌خواستند با تفسیری دوباره از قرآن و شریعت اسلامی راهی بگشایند تا زنان زیر حاکمیت جمهوری اسلامی تا حدودی از امکانات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی برخوردار گردند و سلطه مردان بر زنان را تحت ضابطه و قاعده در آورند. فمینیسم اسلامی در واقع می‌خواهد بی‌حقوقی زنان و چهره مردسالاری را در ایران مدرنیزه کند.

فمینیسم اسلامی با اتکا به تئوری نسبیت فرهنگی، جهانشمولی حقوق و مطالبات زنان را زیر سؤال می‌برد و با برجسته کردن تفاوت فرهنگی زنان غربی با فرهنگ حاکم در ایران وظیفه خود را دفاع از حقوق زنان در چهارچوب فرهنگ اسلامی قرار داده است. اینها با این دیدگاه که دارند تزییقات علیه زنان به بهانه‌های فرهنگی و حمله دستجات حزب‌الله به زنان را به بهانه رعایت نکردن پوشش اسلامی و اسید پاشیدن به روی زنان را توجیه می‌کنند.

فمینیسم اسلامی که عمدتاً زنان شاغل و حقوق بگیر طبقه متوسط و بالای جامعه را موضوع کار خود قرار داده است با این ایده‌ها می‌خواهد با شوینیسم مردسالار در چهارچوب قوانین اسلامی مبارزه کند. اینها می‌خواهند نیروی جنبش زنان را حول استراتژی بقای رژیم اسلامی، اصلاح آن و بهبود موقعیت زنان تحت حاکمیت یک رژیم اسلامی تعدیل یافته اسلامی بسیج کنند. روشن است که با شکست اصلاح‌طلبان حکومتی موقعیت فمینیسم اسلامی هم بسیار ↵

ضعیف شده است. اما فمینیسم اسلامی پدیده‌ای صرفاً ایرانی نیست، این تلاشی است ارتجاعی برای به کنترل در آوردن جنبش زنان در کشورهای مسلمان نشین، تلاشی است برای مدرنیزه کردن چهره اسلام و مردسالاری در عصر گلوبالیزاسیون.

جهان امروز: از نظر شما مهمترین ضعف جنبش زنان ایران در شرایط کنونی چیست؟

صلاح مازوجی: در مورد جنبش زنان نیز علیرغم نقاط قوت و پیشرویهایی که داشته می‌توان به نقاط ضعف آن نیز اشاره کرد، از جمله اینکه جنبش زنان ایران نتوانسته از تمام ظرفیت‌های خود در جهت پیوند با جنبش بین‌المللی زنان بخوبی استفاده کند، اما ضعف اساسی جنبش زنان در ایران این است که این جنبش هنوز به یک جنبش فراگیر اجتماعی که توده زنان کارگر و زحمتکش را به میدان آورد تبدیل نشده است. به سخن دیگر این جنبش به همان میزان که توجه نخبگان و روشنفکران جامعه را به خود معطوف کرده است به عمق جامعه نرفته و زنان طبقات پایین جامعه را به حرکت در نیاورده است. به همین دلیل ساده جنبش زنان هنوز نتوانسته آنچنان که

باید رژیم جمهوری اسلامی را از تعرض هر روزه به حقوق زنان و تحقیر آنان باز دارد.

فعالین و پیشروان عملی جنبش زنان چنانچه بخواهند جنبش زنان، از جنبش نخبگان و روشنفکران فراتر رود، باید به زنان کارگر و زحمتکش در محیط‌های کار و زیست روی آورند و درد و رنج آنها را منعکس کنند. اما از آنجا که غلبه بر این ضعف و تامین پیش‌شرط‌های پیشروی جنبش زنان از عهده هر گرایشی در درون جنبش زنان ساخته نیست، این فعالین و پیشروان سوسیالیست درون جنبش زنان هستند که با استراتژی و افقی که دارند و از آنجا که شرط پیشروی خود را پیوند هر چه فشرده‌تر با زنان کارگر و زحمتکش و بسیج آنها حول خواست‌هایشان می‌دانند باید این سمتگیری را پیش ببرند. گرایش سوسیالیستی تنها با گام گذاشتن عملی در این زمینه است که می‌تواند نقش کارساز خود را در تحقق خواست‌های بخش عظیم از زنان تحت ستم جامعه ایفا کند و مهر خود را بر جنبش زنان بکوبد.

جنبش زنان یک جنبش جنسی و فراطبقاتی نیست بلکه یک جنبش اجتماعی است که ریشه در مناسبات اقتصادی و طبقاتی حاکم دارد. اگر زنان طبقات کارگر و زحمتکش علاوه

بر ستم طبقاتی در محیط خانه هم به بردگی کشیده می‌شوند و فرهنگ مردسالار جسم و روح آنها را در چنگال خود می‌فشارد، اینها همه ریشه در مناسبات سرمایه داری دارد. بنابراین مبارزه برای رهایی قطعی زنان یک مبارزه ضد سرمایه‌داری است و مرزهای ملی، مذهبی، فرهنگی و نژادی را به رسمیت نمی‌شناسد. اما در این مبارزه نیز باید مرز طبقات را به رسمیت شناخت.

تاریخ همه انقلابات و مبارزات انقلابی به ما نشان می‌دهد که زنان بورژوا سبانه‌تر از مردانشان علیه زنان و مردان طبقات تحت ستم جنگیده‌اند. در انقلاب کبیر فرانسه پس از سقوط ژاکوبین‌ها آنگاه که روبسپیر قهرمان از پا افتاده انقلابی به محل اعدام کشانده می‌شد، زنان بورژوا سرمست از پیروزی در خیابان‌ها رقصیدند. در جریان شکست کمون پاریس در حالی که زنان کارگر تا آخرین لحظه همدوش کمون‌ها برای دفاع از کمون جنگیدند، زنان بورژوا با سببیت از مردان حیوان‌صفت خود در انتقام‌جویی از پرولتاریای سرکوب شده پیشی گرفتند و حتی به جنازه کمون‌ها رحم نکردند.

گرایش لیبرالی در درون جنبش زنان نمی‌تواند این واقعیات تاریخ و تضاد منافع زنان کارگر و بورژوا را تبیین

کند. اینها قادر نیستند تضاد تاچر بانوی آهنین انگلیس با زنان کارگر معدن را، تضاد همسر رفسنجانی با زن کارگر شرکت واحد را توضیح دهند. در نتیجه لیبرال‌های درون جنبش زنان نمی‌توانند هیچ نقشی در بسیج و به میدان آوردن زنان کارگر و زحمتکش در مبارزه برای رهایی زن داشته باشند.

این وظیفه گرایش سوسیالیستی درون جنبش زنان است که با اتکا به نیروی زنان کارگر و زحمتکش پیکار برای آزادی زنان و مبارزه برای برابری واقعی زنان با مردان را که در روند تاریخی با حاکمیت مالکیت خصوصی و نهادینه شدن مردسالاری از میان رفته است را به جلو سوق دهد و پیشروی جنبش زنان را تضمین کند. در این مبارزه زنان کارگر همراه با مردان طبقه خود برای محو حاکمیت سرمایه که بانی ستم بر زنان و دیگر نابرابری‌های اجتماعی است پیکار می‌کنند، در صورتی که جنبش بورژوایی زنان بهیچوجه هدفش محو تبعیضات اجتماعی مبتنی بر مالکیت خصوصی نیست، بلکه در بهترین حالت جنبشی است برای کنترل قدرت انحصاری مردان طبقه خود.



اولین شماره تریبون زن در ۴۸ صفحه منتشر شد.



تریبون زن را با تماس با آدرس پستی و الکترونیکی زیر می‌توان سفارش داد. هزینه هر تک شماره نشریه معادل ۳۰ کرون سوئد به اضافه هزینه پستی آن است.

ronakashnagar@hotmail.com

T.zan

Box 2018

127 02 skärholmen

Sweden

جهان امروز

نشریه سیاسی
حزب کمونیست ایران

سرمدبیر:

هلمت احمدیان

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود.

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال دارید.

ha@cpiran.org

شماره حساب جهان امروز

S-E Banken F-S
53682990054

– «جهان امروز» تنها مطالبی را که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد چاپ می‌کند.

– استفاده از مطالب جهان امروز، با ذکر ماخذ آزاد است.

– مسئولیت مطالب «جهان امروز» با نویسندگان آن است و تنها مطالبی که با نام «جهان امروز» امضا شده باشند، موضع رسمی نشریه است.

– جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.

– مطالب «جهان امروز» با برنامه ویژه نگار تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه ۴۴ با سایز ۱۶ می‌باشد.



فرشید شکری

دور جدید تلاش‌های بورژوازی کرد در راستای تضعیف جنبش انقلابی کردستان

فوق قادر گردند به امر خود در کردستان جامه عمل بپوشند، آنگاه در آن شرایط فرضی باید نظاره‌گر سکون حرکت‌های اعتراضی در این بخش و بالطبع کم بنیبه شدن و شاید رکود جنبش‌های رادیکال در سطح سراسری بعثت تاثیرگذاری متقابل این جنبش‌ها بر یکدیگر بود و اگر نتوانند به این هدف برسند، تداوم پیشروی گرایش سوسیالیستی در کردستان منشاء پیوند و درهم تنیدگی بیش از پیش آن با مبارزات کارگران و توده‌های ستمکش ایران گردیده و نتیجتاً امر طغیان و قیام نهائی برای خاتمه دادن به حیات رژیم تسریع خواهد شد.

از اینجا ضرورت فعالیت مشترک روشنگرانه علیه این جریان توهم ساز از جانب نیروهای سهیم در جنبش انقلابی مردم کردستان و یا جریان‌های چپ و رادیکالی که حمایت از آنرا جزو تکالیف انقلابی و کمونیستی خود برمی شمرد احساس می‌شود.

مارس ۲۰۰۶



نیست آیا سیاست پردازان این کشور روی این احزاب حساب باز کرده‌اند و یا نقش و مسئولیتی برای ایشان قائل میشوند یا خیر؟ بهر روی سیر تحولات آتی پاسخ پرسش ما را خواهد داد و فعلاً این گمانه زنی را کنار می‌نهیم و به جنبه قابل تاملتر تاکتیک جدید آنها می‌چسبیم.

واضح است ابراز طرفداری از اعتراضات طبقه کارگر ایران، زنان و دانشجویان و... همان اسلوب و روش‌های شکست خورده‌ای است که هم‌تایان ایشان در اپوزیسیون بورژوازی-لیبرال و جناح‌های رژیم سال‌های متوالی بمنظور مهار تاثیر پیری این جنبش‌های اجتماعی از گرایش سوسیالیسم کارگری بکار بسته‌اند، با این همه به چند دلیل ساده نخست سابقه مبارزاتی احزاب و تشکیلات‌های مرتبط با این جریان متوهم دوما نفوذ نسبی آنان درمیان طبقه مرفه کردستان و بالاخره داشتن امکانات وسیع رسانه‌ای به سبب دریافت کمک‌های چشمگیر مالی نباید این تحرکات را دست کم گرفت.

چنانچه اینان با توجه به فاکت‌های

نیز دمی غفلت کرد. اما جریان دوم که طیفی از جریان احزاب و سازمان‌های ناسیونالیستی را تشکیل می‌دهد، مجیزگویان نتولیرال‌ها و محافظه کاران جنگ طلب حاکم در غرب، مقهورین نظم نوین و فدرالیسم‌چی‌های بیعت کننده با امپریالیسم هستند که بنا دارند تا بهر طریقی مانند همپالگی‌های خود در حاکمیت عنصر و دینامیسم اصلی فرایند رو به گسترش قیام توده‌های زیر دست کردستان را از میدان خارج کنند.

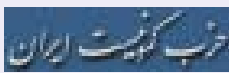
زمانی با گفتن از مزایای جنبش رفرمیستی و حل مسئله ملی از مجرای گفتگو و دیالوگ با اصلاح‌طلبان حکومتی در جستجوی تحقق خواست مذکور بودند و اینک با بیان فوائد یورش نظامی غرب به سرکردگی آمریکا بر توهم نجات و خلاصی ملت کرد از ستم ملی بدست امپریالیست‌ها را باز به همان نیت در جامعه می‌پاشند.

توأم با اتخاذ این مواضع توهم پراکنانه و خطرناک در روندهای سیاسی جاری شاهد شروع دور نوینی از فعالیت‌های تبلیغی و دیپلماتیک آنان بویژه بعد از کیش و مات شدنشان در اثر اجابت مردم مبارز کردستان به فراخوان اعتصاب عمومی کومه‌له در شانزدهم مرداد ماه امسال هستیم. برای نمونه می‌شود به بیان همدردی دروغین آنها از مشقات کارگران و زنان کردستان جهت سوءاستفاده از ظرفیت و پتانسیل مبارزاتی آنان و یا سعی در برقراری تماس و رابطه با آمریکائیان جهت جلب نظر رهبران سیاسی آن بامید بهره‌مندی از خون کرم این باصطلاح منادی دموکراسی و مدنیت در صورت پیچیده شدن نسخه مشابه عراق برای ایران اشاره کرد.

در خصوص سیاست نزدیکی، تعامل و همکاری با آمریکا هنوز معلوم

دستاوردهای سی و اندی سال حضور و ستیز جریان چپ و رادیکال در کردستان با نظام‌های پادشاهی و اسلامی در دفاع از کارگران و زحمتکشان، مبارزه علیه تبعیض و آپارتاید جنسی و نژادی، به چالش کشیدن سنت‌های عقب مانده و ارتجاعی و فعالیت مستمر در دیگر عرصه‌های اجتماعی - سیاسی، شکل یافتن جنبش انقلابی در تقابل با استعمار طبقاتی و دیگر اشکال ستمگری و مبدل شدن این گوشه از جغرافیای ایران به یکی از مستحکم‌ترین سنگرهای جنبش انقلابی مردم کارگر و زحمتکش است. براساس این واقعیت است که احزاب بورژوائی کرد مخالف و یا کردهای اصلاح طلب و محافظه کار حکومتی در توافقی اعلام نشده و در قالب دو جریان متفاوت مجدانه بفکر ضربه زدن، تضعیف و محو این گرایش ریشه دار و پر قدرت در کردستان اند. قریب یک دهه تمام خادمین کرد نظام با روش‌های فریبکارانه از جمله تشکیل فراکسیون نمایندگان کرد مجلس و صدور پروانه چند نشریه به زبان کردی و دادن محدود امتیازات فرهنگی و جدیداً با ساختن «جبهه متحد کرد» به خیال خود می‌خواهند جنبش محرومان و ستمکشان این جامعه را از ماهیت انقلابی‌اش تهی و پاک سازند، اما تردیدی نیست جد و جهدهای دستگاه حاکم با همه اعوان و انصارش ره بجائی نمی‌برد و سرنوشت محتوم آن شکست دوباره این نقشه‌های ریاکارانه توسط مردم آزمون دیده و هوشیاری می‌باشد که از هست و نیست خود برای سرنگونی سیستم استبدادی - سرمایه داری حاکم مایه گذاشته‌اند. اگرچه طرح‌ها و برنامه‌های این جریان طرفدار رژیم، در میان مردم مبارز کردستان محلی از اعراب ندارد و از این‌رو در عزم و اراده توده‌ها خللی وارد نمی‌سازد با این تفاسیر نباید از نقد آن

از سایت‌های حزب کمونیست ایران و کومه‌له دیدن کنید!



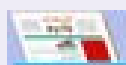
سایت حزب کمونیست ایران

www.cpiran.org



سایت کومه‌له

www.komalah.org



پیشرو ارگان کمیته مرکزی کومه‌له به زبان کردی هر ۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود.

پیشرو را می‌توان در سایت کومه‌له چاپ و به دست علاقمندان رساند.

بر روی فرکانس ۱۱۰۱۳ در مجموعه «هات برد» فرکانس و مکان پخش برنامه‌های صدای کومه‌له را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

صدای کومه‌له
رادیوی ماهواره‌ای ۲۴ ساعته

خیزش و مبارزات عمومی مردم کردستان بر علیه حکومت ترکیه

در چند روز گذشته بیشتر شهرهای کردستان ترکیه شاهد خیزش و مبارزه توده‌های مردم بر علیه جنایت‌های حکومت ضد انسانی ترکیه بود. مردم خشمگین کردستان که برای پس گرفتن جنازه چند پیشمرگ پ.ک.ک. تجمع کرده بودند، آماج حمله وحشیانه ارتش و نیروهای امنیتی ترکیه قرار گرفتند، تعدادی کشته و زخمی شدند و عده‌ای هم دستگیر گردیدند، مردم به پاخاستند و دست به مقاومت و ایستادگی زدند، دسته‌جمعی مغازه و بازار را بستند و به سر کار نرفتند و در جواب به حمله ددمنشانه رژیم به هر طریقی که برایشان ممکن بود به نیروهای حکومتی و صدها محل دولتی حمله بردند.

مبارزه و مقاومت مردم به جان آمده دیاربکر به زودی شهرهای دیگر کردستان را نیز فرا گرفت. در بیشتر شهرهای حتی در آنکارا و استانبول هم مردم به خیابان‌ها ریختند و بر علیه رفتار رژیم در رابطه با مردم کردستان دست به تظاهرات زدند.

رژیم فاشیستی ترکیه از زبان نخست وزیر خود، همه این ده‌ها هزار نفر از مردم را اعم از زن و بچه و پیر و جوانی که به خیابان‌ها ریخته بودند تروریست نامید. اردوغان مردم کردستان را به خشونت بیشتر و حمله درنده‌تر تهدید نمود و در کردستان حالت فوق‌العاده اعلام کرد.

میزان جنایت‌های رژیم ترکیه تا آن اندازه بود که حتی مسئول شهرداری دیاربکر هم رژیم را مسئول این جنایت‌ها دانست و گفت آیا کودکان کشته شده هم تروریست بودند؟

متأسفانه خبر این خیزش مردم کردستان در بیشتر منابع خبری و مطبوعاتی داخل و خارج خیلی کم منعکس گردید و کمیسیون حقوق بشر در اتحادیه اروپا نیز در رابطه با این رویداد، تنها به یادآوری حقوق بشر به دولت ترکیه اکتفا کرد.

کومله کشتن و زخمی کردن و دستگیری و حمله به مردم کردستان از طرف رژیم فاشیستی ترکیه را قویا محکوم می‌کند و از مبارزه برحق مردم ستم‌دیده کردستان پشتیبانی می‌نماید.

دفتر نمایندگی کومله در خارج کشور

۲۰۰۶\۴\۱



اطلاعیه‌ای از مدیریت تلویزیون کومله در باره تغییر مشخصات فنی

همانگونه که اطلاع دارید مدت ۲ ماه است که کانال ماهواره‌ای تلویزیون کومله آغاز بکار کرده و بمدت ۲ ساعت در روز برنامه آزمایشی پخش نموده است. اما متأسفانه بینندگان این کانال در کردستان و در قسمتهای وسیعی از ایران به دلیل نارسایی فنی نتوانسته‌اند از آن بخوبی استفاده کنند. ما در اطلاعیه قبلی گفته بودیم که سعی خواهیم کرد که این مشکل فنی را برطرف کنیم. بدین وسیله به اطلاعاتان میرسانیم که خوشبختانه این کار انجام گرفته و از این پس مشخصات فنی پخش برنامه‌های تلویزیون کومله به قرار زیر خواهد بود:

Hot bird 3 Freq 12476

Pol H Sym 7500 Fec 3/4

برنامه‌های آزمایشی این کانال از ساعت ۸ بعدازظهر به وقت ایران آغاز میشود و در طول روز در حد امکان تکرار میگردد. ما انتظار داریم که بینندگان عزیز از طریق شماره تلفن‌ها و ایمیل زیر ما را از چگونگی دریافت سیگنال‌های آن مطلع کنند.

info@komalah.org

۰۰۴۶-۷۳۹ ۳۳۴ ۹۲۴

۰۰۴۶-۷۳۹ ۰۴۹ ۶۱۰

تاسیس و اداره تاکنونی تلویزیون کومله محصول پشتیبانی بیدریغ مادی و معنوی مردم مبارز، هواداران جنبش انقلابی کردستان و فعالین کومله بوده است. ما امیدواریم که از این پس نیز این پشتیبانی و کمکها در همه زمینه‌ها ادامه داشته باشد و ما هم بتوانیم بزودی پخش عادی برنامه‌ها را آغاز کنیم.

مدیریت تلویزیون کومله

۱۰ فروردین ۱۳۸۵

۳۱ مارس ۲۰۰۶

کارگران! زنان و مردان محروم و زحمتکش!

روز اول ماه مه روز کارگر، کار در همه جا تعطیل است. روز کارگر را تعطیل خواهیم کرد تا در جشن‌ها و اجتماعاتمان همصدا با همه کارگران جهان پیمان خود را برای بنیان نهادن دنیایی نو، دنیایی فارغ از ستم و سرکوب، دنیای انسان‌های آزاد و برابر تجدید کنیم. کار را تعطیل خواهیم کرد، تا نشان دهیم در همه ۳۶۵ روز سال به نظام سرمایه‌داری معترضیم و خواهان نابودی آن هستیم. خواهان نابودی مالکیت سرمایه‌داری و استثمار کارگران هستیم. خواهان براندازی حاکمیت مفتخوران و خاتمه دادن به اسارت و بردگی کارگران هستیم. بگذار روز کارگر همه شاهد آن باشیم که کارخانه‌ها خوابیده‌اند، چرخ‌های کار و تولید از کار ایستاده‌اند، چرا که کارگران برای برپایی جشن اتحاد خود به پا خواسته‌اند تا با اتحاد صفوف میلیونی‌شان به اسارت کار مزدی برای همیشه پایان دهند.

خجسته باد اول ماه مه!

دهند.



آتش فراگیر است. ضروری است نیروی رادیکال و سوسیالیست استراتژی خود را به مشغل راهنمای آن تبدیل کند. کارگران و دانشجویان مبارز فرانسوی این بار نیز پتانسیلی عظیم و تاریخی به نمایش گذاشتند که نیروی سرمایه‌دار و دولت حاکم قادر به چشم پوشی آن نخواهد بود. رادیکالیسم اخیر در جنبش اعتراض کارگران و دانشجویان در فرانسه، فشار توده‌های کارگر از پایین و در خیابان‌ها از یک طرف مانع سازشکاری رهبران اتحادیه‌های کارگری شد و از طرف دیگر بیان بدبینی و اعتراض عمیق مردم نسبت به دولت‌های حاکم و لیبرالیسم اقتصادی است که ناشی از تشکیل بازار اقتصادی و پول واحد اروپا و گلوبالیزیشن می‌باشد که به دنبال خود بیکاری، تورم و تهاجم روزافزون سرمایه داری به دستاوردهای کارگران و زحمتکشان را به ارمغان آورده است. تعرض بورژوازی به دستاوردهای کارگران و محرومان فرانسه و اروپا را این بار نیز تنها به نیروی اعتراض میلیونی کارگران و مردم آزادی‌خواه و با در پیش گرفتن افقی روشن و رادیکال می‌توان به عقب راند.

نادر احمدی

فرانسه در تب اعتصاب و اعتراض



گسترده ای در ۸۰ سال اخیر بی سابقه بوده است و این در حالی است که کارفرمایان با حمایت دولت‌هایشان، به جای استخدام جوانان بیکار و تازه نفس، بر شدت استشار افراد شاغل می‌افزایند و سن بازنشستگی آنها را افزایش می‌دهند و یا با اخراج بخشی از کارگران شاغل و افزایش شدت کار، همان کار را با تعداد کمتری انجام می‌دهند تا بر میزان سود خود بیافزایند.

اعتراض میلیونی کارگران و دانشجویان فرانسه برضد قانون ارتجاعی که علیه جوانان صادر شده، تبلوری از اعتراض و نارضایتی عمیق‌تری است که بحران عظیم اقتصادی و سیاسی در فرانسه و اروپا ببار آورده است. جامعه فرانسه و بخش‌های دیگر اروپا تنوره فوران

پس بگیرد و آن را لغو کند، اما دمینیگ دو ویلپن نخست وزیر فرانسه حاضر نیست که از مواضع خود عقب نشینی کند و این قانون را پس بگیرد.

Laurence arisot رهبر اتحادیه کارفرمایان فرانسه به نام MEDEF ضمن ستایش از مواضع سرسخت دولتمردان فرانسه از آنها خواست که تسلیم فشارهای مردمی نشود.

با ادامه بحران سرانجام در روز جمعه ۱۳ مارت ۲۰۰۶ شورای قانون اساسی فرانسه نیز میخ آخر را بر تابوت زد و قانون کار CE را تصویب کرد و عصر همان روز نیز ژاک شیراک ضمن سخنرانی در تلویزیون فرانسه، با کاهش مدت زمان اخراج از ۲ سال به ۱ سال و ملزم کردن کارفرماها به ارائه دلیل برای اخراج کارگران تازه استخدام، تلاش کرد تا با ارائه یک راه حل میانه همه را راضی کند اما این سناریوی از قبل طراحی شده هیچکس را راضی نکرد و تمام اتحادیه‌های کارگری و دانشجویی و حتی احزاب بورژوا-سوسیالیست در پارلمان فرانسه نیز آنرا نپذیرفتند و رد کردند. اعتراضات اخیر در فرانسه ادامه نارضایتی است که در سال ۲۰۰۵، ۵۵٪ از رأی دهندگان فرانسوی در کنار رأی دهندگان هلندی به قانون اساسی اتحادیه اروپا نه گفتند و جوانان بیکار خارجی و مورد تبعیض در اکتبر همان سال شهرهای بزرگ فرانسه را چنان ملتهب کردند که تدامی کننده جنگ داخلی بود. در همان زمانی که در اواخر ماه مارس ۲۰۰۶ که فرانسه دستخوش تظاهرات بود، کشور انگلیس نیز شاهد تظاهرات ۱\۵ میلیون کارگر و کارمند بود که به افزایش سن بازنشستگی خود اعتراض کردند و به گفته CNN چنین تظاهرات

در اعتراض به قانون استخدامی جدید در فرانسه به نام CE تظاهراتی که از قبل شروع شده بود در روز سه‌شنبه ۲۸ مارس به اوج خود رسید و در ۱۳۰ شهر بیش از ۳ میلیون نفر از کارگران، دانشجویان و کارمندان راهپیمایی کردند. در کنار اتحادیه‌های دانشجویی، ۵ اتحادیه بزرگ کارگری به نام‌های CGT,CFDT, UNSA,FO,CFTC و کارمندان و معلمان و نیز پرسنل شرکت خطوط هوایی فرانسه، متروی پاریس، راه آهن و شرکت اتوبوس‌رانی و حتی مهد کودکها در این اعتصاب و تظاهرات میلیونی شرکت کردند.

بر اساس قانون استخدام جدید که در روز ۹ مارس ۲۰۰۵ به تصویب دولت فرانسه رسید، کارفرمایان فرانسوی مجازند که در مدت ۲ سال اول استخدام، افراد تازه استخدامی را هر لحظه که دوست داشتند بدون ارائه هیچ دلیلی اخراج کنند. این قانون ضد بشری در حالی در فرانسه تصویب می‌شود که در کشوری مثل بحرین که دولت آن تاکنون هیچ حقی را برای کارگران خارجی به رسمیت نمی‌شناخته، تحت فشار سازمان‌های مدافع حقوق بشر بین المللی، بالاخره حق اعتصاب و اعتراض را برای کارگران خارجی مقیم بحرین به رسمیت بشناسد. مخالفان قانون جدید کار در فرانسه که با نام قانون dna eriH و Xerif و Xboj xenilK نیز از آن نام برده می‌شود، می‌گویند بر اساس این قانون جوانان تازه استخدامی از هیچگونه حقوقی برخوردار نیستند. در پاسخ به درخواستهای مکرر دولتمردان فرانسوی، رهبران اتحادیه‌های کارگری و دانشجویی پاسخ دادند که قبل از انجام هر مذاکره‌ای، دولت باید قانون جدید استخدامی خود را

دفتر نمایندگی کومه‌له

K.K. P.O.Box75026
Box 750 26 Uppsala- Sweden
Fax: +46-18-46 84 93
Tel: +44-7746163103

دوشنبه و جمعه

ساعت ۱۹ تا ۲۲ به وقت اروپا
komala@cpiran.org

دفتر نمایندگی کومه‌له

در سلیمانیه

Tel . 3124760 - 3125815

کمیته مرکزی کومه‌له

Tel. 0044-70-775 207 81

komalah@komalah.org

آدرس‌های

حزب کمونیست ایران

و کومه‌له

دبیرخانه حزب کمونیست ایران

C.D.C.R.I. Box 704 45
107 25 Stockholm - Sweden
Tel +46-08-86 80 54
E-mail: cpi@cpiran.org

کمیته خارج کشور حزب

K.K.H.K Box 704 45
107 25 Stockholm - Sweden
E-mail: kkh@cpiran.org